

طرح غیر قابل قبول دلان ادعایی زنگزور از منظر حقوق بین الملل

دلان زنگزور، یکی از آرزوهای دولت آذربایجان در منطقه است که برای پیشبرد و تحقق آن تلاش می‌کند. این طرح ناشدنی در واقع بعد از جنگ دوم قره‌باغ (2020) به دلیل «تفسیر به رأی» آذربایجان از توافق سه جانبه باکو ایروان مسکو و «موضع ضعف» ارمنستان در منطقه، بیشتر مطرح شده است.



آران نیوز: اگرچه، تلاش‌ها و اظهارنظرها درباره دلان زنگزور بیشتر توسط دولت آذربایجان صورت می‌گیرد، اما واقعیت این است که آنکارا بیشتر از باکو در این مسأله ذینفع است؛ اگر دلان مذکور برای آذربایجان یک مسیر ارتباطی با کارکردهای اقتصادی و سیاسی است، برای آنکارا فراتر از کارکردهای اقتصادی، یک کریدور و مسیر ارتباطی شرقی و غربی چهارم به اصطلاح ترک است.

در سفر اخیر رئیس‌جمهور ترکیه به آذربایجان، اردوغان به طور جدی و با ادبیاتی صریح، مسأله دلان زنگزور را مطرح کرد. وی هنگام بازگشت از آذربایجان در هواپیما به خبرنگاران گفت: «گشایش کریدور زنگزور مسئله‌ای با ایران است نه ارمنستان. موضع ایران، ما و آذربایجان را ناراحت کرده است. ایران باید نگران باشد. امیدواریم در مورد این موضوع نگرش مثبتی داشته باشند تا بتوانیم ترکیه، آذربایجان و ایران را پیوند دهیم و حتی ممکن است مسیری را که از پکن تا لندن امتداد دارد، راه اندازیم کنیم».

برخلاف اظهارات و استدلال‌ها و سیاست‌های «اعلامی» که مطرح می‌شود، دلان زنگزور در واقع، به عنوان نقطه اتصال «ترکستان بزرگ آنکارا» مطرح است. چراکه اگر هدف از احداث زنگزور اتصال آذربایجان به نخجوان باشد که این اتصال سال‌هاست از طریق ایران برقرار است.

جمهوری اسلامی ایران، مخالف اصلی احداث دلان یا کریدور ادعایی زنگزور است. مخالفت و ممانعت جمهوری اسلامی ایران از احداث این دلان به شکلی که باکو و آنکارا دنبال می‌کنند و موجب قطع مرز ایران و ارمنستان می‌شود، از منظر حقوقی، سیاسی و امنیتی مستدل و قوی برخوردار است. چراکه ضمن تغییر ژئوپلیتیک منطقه، امنیت و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کند.

جمهوری اسلامی ایران در دو سال اخیر، بارها به صورت رسمی و غیررسمی و از طرق مختلف موضع خود را به صورت شفاف و قاطع در خصوص دلان ادعایی زنگزور ابراز کرده و در واقع، این مسأله «غیرقابل قبول» و جزء «خطوط قرمز» جمهوری اسلامی ایران است.

به نظر می‌رسد یکی از نکات مهم که در این رابطه باید مورد توجه قرار گیرد، نگاه به این دلان ادعایی از منظر حقوق بین الملل و قاعده «ثبات مرزها» است. چراکه «مرز» در روابط بین الملل به دلیل اینکه قلمرو سرزمینی و جغرافیایی یک کشور را مشخص می‌نماید از اهمیت به سزایی برخوردار است. اگر مرز یک کشور به هر دلیلی، نامعلوم، بی‌ثبات و تغییرپذیر باشد یا دستکاری گردد، تمامیت ارضی و سیاست و تعاملات خارجی آن نیز آسیب پذیر می‌گردد. از همین رو، «جابجایی مرزها» و «تغییر کارکرد واقعی و ذاتی» آن‌ها برای دولت‌ها غیرقابل پذیرش است و گاه این مسأله منجر به درگیری و منازعات طولانی، سیاسی و قومیتی بین کشورها می‌شود. دیوان بین المللی دادگستری، بارها در آرای صادره به اصل ثبات مرزها به عنوان یک اصل تثبیت شده حقوقی استناد نموده است.

دیوان در قضایای متعددی از جمله اختلافات مرزی بنین و نیجر (2003)، اختلاف مرزی اندونزی و مالزی، اختلاف دریایی و سرزمینی نیکاراگوئه و هندوراس (1999)، اختلاف مرزی مالی و بورکینافاسو (1983) بر اهمیت «ثبات مرزها» تاکید ویژه‌ای داشته و حتی در این قضایا، حل اختلافات مرزی را با توجه به اصل انصاف قبول نکرده و آن را به عنوان توجیه نقض اصل ثبات مرزها مورد پذیرش قرار نداده است.

به عنوان مثال، در قضیه اختلاف مرزی بورکینافاسو و جمهوری مالی، دیوان بین المللی دادگستری با صدور رأی، حتی تغییر مرزهایی را هم که از «دوره استعمار» به ارث رسیده است، رد می‌کند، اگرچه این حکم در ظاهر با حق خودمختاری ملت‌ها در تعارض است.

«اصل ثبات مرزها» که از سال 1986 به یک قاعده و رویه حقوقی غیرقابل نقض و شناخته شده، تبدیل گردیده است، به قدری اهمیت دارد که براساس آن، حفظ و تداوم حدود یا مرزهای استعماری نیز محترم شمرده می‌شود؛ مرزهایی که خارج از اراده کشورها و در دوره استعمار توسط قدرت‌های استعماری اروپایی تعیین شده‌اند. چراکه این اصل، از الزامات بنیادین «بقاء»، «توسعه»، «امنیت» و «استقلال» کشورها محسوب می‌شود.

این دقیقاً همان اصلی است که در مسأله دالان زنگزور نیز مطرح است. مرز بین ایران و ارمنستان، علاوه بر مسائل دیگری که وجود دارد، تابع «اصل ثبات مرزها» است و در هر شرایطی نباید تغییر ماهیت داده و یا موضوعیت خود را از دست بدهد. جایگزینی احتمالی این مرز با دالان ادعایی زنگزور که جزئیات و مختصات آن کاملاً مشخص است، «نقض صریح» رویه‌ها و قواعد حقوقی و قضایی بین‌المللی در خصوص مرزهاست، که اگر غیر از این بود و اصل ثبات مرزها و قواعد حقوق بین‌الملل نادیده انگاشته می‌شد، ایران هم می‌توانست در خصوص تغییر مرزها در قفقاز جنوبی که زمانی بخشی از قلمرو جغرافیایی ایران بود و و بازگشت مرزها به وضعیت سابق آن، همچنین معاهدات «گلستان» و «ترکمنچای» که برخلاف نظر ایران و در شرایط اضطرار منعقد شدند، مدعی باشد.

اینکه یک کشوری ادعا کند به دنبال احیای مرزهای سابق خود در دوران بعد از استقلال به اشکال گوناگون است، یک ادعای غیرقانونی است. هیچ کشوری حق ندارد به هر دلیلی مرزهای موجود را هله با «قه قهره» تغیر دهد.

بنابراین در خصوص دالان ادعایی زنگزور، موضوع فقط احداث یک کریدور تجاری با کارکردهای سیاسی و … نیست بلکه مسأله اصلی، نقض قواعد بین‌المللی و برخلاف حقوق بین‌الملل است که ضمن «تغییر ژئوپلیتیک منطقه»، امنیت ملی چند کشور از جمله ایران را تهدید نموده و سیاست خارجی، روند تأمین منافع ملی، حسن همجواری، ارتباطات منطقه‌ای، خطوط مواصلاتی و سایر موضوعات مترتب بر اینها را «مختل» و «تحت الشعاع» قرار می‌دهد که به هیچ وجه قابل پذیرش نمی‌باشد.